

مبانی مردم سالاری در اسلام

(نظام احکام فی الاسلام)

مرجع عالیقدر شیعه

حضرت آیت الله العظمی منتظری رحمته الله

ترجمه و پاورقی ها:

حجة الاسلام والمسلمین بهرام شجاعی

سرشناسه: منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱-۱۳۸۸.
عنوان قراردادی: دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: مبانی مردم سالاری در اسلام / [حسینعلی] منتظری قدس سره؛
ترجمه و پاورقی ها بهرام شجاعی.
مشخصات نشر: تهران: سرایی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۷۷۶ ص / ۴۰۰۰۰۰ ریال.
شابک: 978 - 964 - 7362 - 71 - 9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: ص ۷۶۷.
یادداشت: آیه.
نوع: ولایت فقیه
موضوع: Wilayat al-faqih
رצוע: اسلام و دولت
موضوع: Islam and
موضوع: اسلام سیاست
موضوع: Islam politics
شناسه افزوده: جعفر، بهرام، ۱۳۶۰-، مترجم
رده بندی کنگره: ۳۹۵ - ۱۱۸ د ۷۸ م / ۸ / ۲۲۳ BP
رده بندی دیویی: ۹۷ / ۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۰۶۴۰

مبانی مردم سالاری در اسلام

«آیت الله العظمی منتظری (مد ظله)»

انتشارات سرایی
نوبت چاپ: اول، ۱۲۰۰ نسخه
تاریخ انتشار: پائیز ۱۳۹۶
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۶۲-۷۱-۹

قم، میدان مصلی، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۸
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۱۱ (۰۲۵) - ۲۲۵۶۳۴۵۸ (۰۲۱) * فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۱۵ (۰۲۵) * موبایل: ۰۹۱۲۲۵۲۵۰۵۰

E-mail: SaraeiPublication @gmail .com

www .Amontazeri .com

* فهرست مطالب *

۲۱		مقدمه مترجم
۲۷		پیش گفتار
۲۷		هدف از تلخیص کتاب
۲۷		اصول حکومت اسلامی
۳۱		پیش گفتار نویسنده
۳۱		۱- سبب نگارش کتاب
۳۱		۲- روش تحقیق
۳۲		۳- اهمیت فقه سیاسی
۳۳		۴- بحث علمی در خدمت وحدت
۳۴		۵- تذکری اساسی
۳۴		۶- ضرورت وجود حکومت
۳۵		۷- علت پیدایش حکومت
۳۷		۸- نگاهی به انواع حکومت‌ها
۳۸		۹- حکومت اسلامی
۴۰		۱۰- شرایط رهبر انتخابی از نظر عقلا
۴۱		۱۱- شرایط رهبر در حکومت اسلامی
۴۱		۱۲- ضرورت دخالت عالمان و فقیهان در سیاست

۵۱

بخش دوم

ولایت پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام

- ۶۰ سخنی در جانشین پیامبر ﷺ
- ۶۵ تمسک به اهل بیت علیهم السلام
- ۶۷ بیان چند نکته
- ۶۷ ۱- مفهوم لغوی امامت
- ۶۷ ۲- سنای اصطلاحی امام
- ۶۸ ۳- معنا و تفسیر ولایت
- ۷۰ ۴- تقسیم ولایت
- ۷۱ ۵- مراتب ولایت
- ۷۲ ۶- فعلیت ولایت

۷۵

بخش سوم

ضرورت دولت در همه زمانها

- ۷۷ فصل اول: ادعای اجماع درباره ضرورت دولت
- ۸۱ فصل دوم: بافت اسلام و حکومت
- ۸۲ جهت اول: ردپای دولت در منابع فقه
- ۸۲ در بحث نماز
- ۸۳ در بحث روزه و اعتکاف
- ۸۴ در بحث زکات، خمس و انفال
- ۸۶ در بحث حج و زیارت
- ۸۸ در بحث جهاد
- ۹۳ در بحث مقابله با شورشگران بر ضد حکومت
- ۹۴ در بحث جزیه، غنیمت، اسیران جنگی و...
- ۹۵ در بحث حجر و وصیت

۹۶	در بحث ازدواج و طلاق
۹۷	در بحث ارث
۹۷	در بحث قضاوت و حدود
۱۰۰	جهت دوم: رد پای دولت در عبارات فقیهان
۱۰۰	در امر به معروف و نهی از منکر
۱۰۱	در احتکار
۱۰۱	در پذیرش ولایت
۱۰۲	در حجر
۱۰۲	در ولایت بر یتیمان
۱۰۲	در وصیت
۱۰۳	در نکاح
۱۰۳	در طلاق
۱۰۳	در احیای زمین‌های موات
۱۰۴	در سرقت
۱۰۵	فصل سوم: ده دلیل بر ضرورت تشکیل حکومت (عصر غیبت)
۱۰۵	دلیل اول
۱۰۸	دلیل دوم
۱۰۹	دلیل سوم
۱۱۰	دلیل چهارم
۱۱۱	دلیل پنجم
۱۱۱	دلیل ششم
۱۱۲	دلیل هفتم
۱۱۴	دلیل هشتم
۱۱۶	دلیل نهم
۱۱۷	دلیل دهم
۱۲۰	فصل چهارم: بررسی روایات سکوت در زمان غیبت

بخش چهارم

شرایط رهبر جامعه

۱۴۱	فصل اوّل: نظر برخی از فقیهان.....
۱۴۵	فصل دوّم: شرایط رهبر به حکم عقل.....
۱۴۷	فصل سوّم: شرایط رهبر به حکم کتاب و سنت.....
۱۴۷	۱- عقل.....
۱۴۸	۲- اسلام و ایمان.....
۱۴۹	۳- عدالت.....
۱۵۳	۴- دانش فقه.....
۱۵۶	۵- قدرت و حسن مدیریت.....
۱۵۹	۶- آلوده نبودن به خنثی‌ها و بد.....
۱۶۱	۷- مرد بودن.....
۱۶۳	دو نکته مربوط به شرط مرد بودن.....
۱۶۳	اوّل: ناسازگاری رهبری جامعه با طبع زن.....
۱۶۴	الف: اختلاف زن و مرد.....
۱۶۴	ب: مفهوم عدالت.....
۱۶۵	ج: مدیریت، مسئولیت و امانت.....
۱۶۶	دوّم: ادلّه مقتضی پوشیده بودن زن.....
۱۶۶	دلایل لفظی مرد بودن.....
۱۷۰	۸- پاک‌زادی.....
۱۷۲	شرایط مورد اختلاف.....
۱۷۲	۱- بلوغ.....
۱۷۳	۲- سلامت اعضاء و حواس.....
۱۷۴	۳- آزاد بودن.....

۱۷۵	۴- قرشی بودن.....
۱۷۶	۵- عصمت.....
۱۷۸	۶- منصوص بودن.....

۱۸۱

بخش پنجم

چگونگی تعیین رهبر و تحقق رهبری

۱۸۳	فصل اول: برخی نظریات در این مسأله.....
۱۸۷	فصل دوم: دلایل و استدلال به نصب فقیه.....
۱۸۸	اقسام نصب در مقام ثبوت.....
۱۹۱	نصب در مقام اثبات.....
۱۹۱	اثبات نصب فقیه در باب عقل.....
۱۹۳	اثبات نصب فقیه به دلیل عقل.....
۱۹۳	۱- مقبوله عمر بن حنظله.....
۱۹۸	۲- مشهوره ابو خدیجه.....
۲۰۵	۳- حدیث «اللهم ارحم خلفایی».....
۲۰۷	۴- حدیث «العلماء ورثة الانبياء» و مانند آن.....
۲۰۸	۵- حدیث «الفقهاء حصون الاسلام».....
۲۱۰	۶- حدیث «الفقهاء ائمة الرسل».....
۲۱۱	۷- حدیث «واما الحوادث الواقعة».....
۲۱۴	۸- حدیث «العلماء حکام على الناس».....
۲۱۴	۹- حدیث «مجارى الامور والاحکام على ایدی العلماء».....
۲۱۸	فصل سوم: دلایل تحقق امامت به وسیله بیعت.....
۲۱۸	۱- حکم عقل.....
۲۱۸	۲- اولویت قاعده سلطه.....
۲۲۰	۳- سیره عقلا.....

- ۴- عقد بودن انتخاب ۲۲۰
- ۵- آیات و روایات مبین وظایف اجتماعی ۲۲۱
- ۶- آیات و روایات شورا ۲۲۱
- ۷- آیات و روایات بیعت ۲۲۳
- سخنی در ماهیت بیعت ۲۲۵
- ۸- روایات مربوط به حکومت امام علی و امام حسن علیهما السلام ۲۲۷
- فصل چهارم: شانزده مسئله مهم ۲۳۱
- مسئله اول: تفاوت حکومت اسلامی و دموکراسی ۲۳۱
- مسئله دوم: اعلام آمادگی برای تصدی ولایت ۲۳۴
- مسئله سوم: تکلیف یا وضعی بودن شرایط رهبری ۲۳۵
- مسئله چهارم: واکاوی یا علی بودن شرایط رهبری ۲۳۶
- مسئله پنجم: عدم دسترسی به اج همه شرایط ۲۳۶
- مسئله ششم: شورا و انتخاب، منشاء امر شرعی ۲۳۸
- مسئله هفتم: نادانی یا بی‌تقوایی انتخاب‌کنندگان ۲۳۹
- مسئله هشتم: ملاک صحت انتخاب ۲۴۰
- مسئله نهم: تضییع حق اقلیت! ۲۴۴
- مسئله دهم: تراجم اقلیت دانا و اکثریت نادان! ۲۴۶
- مسئله یازدهم: واگذاری امور غیر مجاز ۲۴۶
- مسئله دوازدهم: خودداری اکثریت از شرکت در انتخابات ۲۴۸
- مسئله سیزدهم: تصدی امور حسیه در فرض عدم امکان انتخاب ۲۴۹
- مسئله چهاردهم: انتخاب، عقد لازم ۲۵۰
- مسئله پانزدهم: شرایط انتخاب‌کنندگان ۲۵۱
- مسئله شانزدهم: قیام مسلحانه علیه حاکم ستمگر ۲۵۲
- دلایل جواز بلکه وجوب عزل حاکم ۲۶۱

۲۷۳

بخش ششم

وظایف و اختیارات مردم و حاکمیت

۲۷۵	فصل اول: بخشی از آیات و روایات
۲۸۶	فصل دوم: شورا و مشورت
۲۸۶	۱- اهمیت اسلام به مشورت
۲۹۰	۲- ویژگی‌های مشاور و حق مشورت کننده
۲۹۲	فصل سوم: مسئولیت رهبر و کارگزاران او
۲۹۴	فصل چهارم: قوای سازمان‌های حکومت اسلامی
۲۹۵	جهت اول: قوهٔ قضاوتی
۲۹۵	۱- نیاز به قوهٔ قانونگذاری، مردم و وظایف آن
۲۹۷	۲- انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۲۹۸	۳- شرایط انتخاب کننده و انتخاب شده
۳۰۱	۴- منابع احکام اسلام
۳۰۱	منابع مورد اختلاف
۳۰۱	الف: اجماع
۳۰۲	ب: قیاس و استحسان ظنی
۳۰۳	ج: کلمات اهل بیت پاک (علیهم‌السلام)
۳۰۴	۵- استنباط و اجتهاد
۳۰۵	۶- تخطئه و تصویب
۳۰۶	۷- باز بودن باب اجتهاد
۳۰۸	۸- تقلید و دلایل آن
۳۱۰	حجیت فتوای فقیه
۳۱۴	جهت دوم: قوهٔ اجرائیه
۳۱۴	۱- منظور از قوهٔ اجرائیه، نیاز به آن و مراتب آن

- ۲- خاستگاه قوهٔ اجراییه ۳۱۵
- ۳- شرایط وزیران، فرماندهان و دیگر کارگزاران به حکم عقل و شرع ۳۱۶
- جهت سوّم: قوهٔ قضائیه ۳۱۸
- ۱- نیاز به قوهٔ قضائیه ۳۱۸
- ۲- حق و عدالت و حکم به آن دو از نظر اسلام ۳۱۸
- ۳- برابری در مقابل قانون ۳۲۰
- ۴- خاستگاه قوهٔ قضائیه ۳۲۲
- ۱- شرایط قاضی ۳۲۴
- ۲- علم قاضی ۳۲۶
- ۳- عمل قاضی ۳۲۶
- ۴- مسائل علم قاضی ۳۲۸
- ۵- دلایل اعتبار جتر - فارسی ۳۲۹
- ۶- نصب و توکیل مآ ۳۳۲
- ۷- استقلال قاضی ۳۳۴
- ۸- برخی از آداب قضاوت ۳۳۵
- ۹- تکالیف و اختیارات قاضی ۳۳۶
- ۱۰- ولایت مظالم (رسیدگی به ستمگری‌ها) ۳۳۸
- فصل پنجم: امر به معروف و نهی از منکر و ادارهٔ حسبه ۳۴۳
- جهت اوّل: وجوب عقلی و شرعی امر به معروف و نهی از منکر ۳۴۳
- جهت دوّم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۳۴۴
- جهت سوّم: کیفیت وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۳۴۶
- جهت چهارم: برخی از آیات و روایات مربوط به موضوع ۳۴۷
- جهت پنجم: مخالفت با خواص ۳۵۰
- جهت ششم: بیزاری قلبی از منکر ۳۵۱
- جهت هفتم: رویگردانی از مرتکب منکر ۳۵۲

۳۵۳	جهت هشتم: شرایط و وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۳۵۹	جهت نهم: حربه و شرایط محتسب
۳۶۰	جهت دهم: مواردی از حربه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۶۱	جهت یازدهم: وظیفه محتسب
۳۶۹	فصل ششم: سختی پیرامون حدود و تعزیرات شرعی
۳۷۲	جهت اول: توجه اسلام به اجرای حدود و تعزیرات
۳۷۴	جهت دوم: گستره حکم تعزیر بر جرائم کوچک و بزرگ
۳۷۵	جهت سوم: مفهوم تعزیر، رلغت و اصطلاح فقهی
۳۷۶	جهت چهارم: اراد در تعزیر
۳۷۹	دلایل تعیین زدن و ایجاد درد
۳۸۰	جهت پنجم: تعزیر مالی
۳۸۲	جهت ششم: تعزیر بدنی و مقدار آن
۳۸۵	بخشی از روایات مربوط به مقدار تعزیر
۳۸۷	جهت هفتم: مقدار تازیانه در تعزیر تأدیبی
۳۸۸	آیا اجرای تأدیب واجب است؟
۳۸۸	جهت هشتم: حکم مقتول به حد یا تعزیر یا تأدیب
۳۹۴	اخبار مسأله
۳۹۷	جهت نهم: راههای اثبات جرائم موجب حد یا تعزیر
۳۹۷	حبس و شکنجه متهم به منظور کشف جرم
۳۹۷	مسأله اول: زدن متهم برای کشف جرم در حق الناس
۳۹۹	مسأله دوم: ارزش (حقوقی) اقرار به دست آمده از شکنجه
۴۰۰	مسأله سوم: زندان کردن متهم
۴۰۲	مسأله چهارم: تعزیر به خاطر کتمان شهادت
۴۰۵	مسأله پنجم: تعزیر به خاطر کشف جرم در حق الله
۴۰۵	جهت دهم: اشاره‌ای به برخی دیگر از مسائل این فصل

۴۰۶	مسأله اول: درنگ در اجرای حد
۴۰۶	مسأله دوم: دفع حد به شبهه
۴۰۶	مسأله سوم: زدن مسلمان بدون حق
۴۰۷	مسأله چهارم: عفو از حد
۴۰۸	مسأله پنجم: عفو از تعزیر
۴۱۰	مسأله ششم: عفو در مصالح عمومی
۴۱۱	مسأله هفتم: اجرای حد در هوای بسیار گرم یا سرد
۴۱۲	مسأله هشتم: حد بر زخمی، یا مریض
۴۱۳	مسأله نهم:گونگی اجرای حدود و تعزیرات
۴۱۶	فصل هفتم: احکام زنان و آداب آن
۴۱۶	جهت اول: مفهوم زنان از نگاه اهل لغت
۴۱۸	جهت دوم: دلایل مشروعیت زندان
۴۱۸	الف: قرآن
۴۲۰	ب: سنت
۴۲۱	ج: اجماع
۴۲۱	د: عقل
۴۲۱	جهت سوم: هدف زندان از نظر شرع
۴۲۳	تبعات زندان به شیوه رایج
۴۲۳	۱- خالی شدن خزانه دولت و آسیب دیدن تولید در کشور
۴۲۳	۲- فاسد شدن زندانی
۴۲۴	۳- از بین رفتن انگیزه بازگشت و توبه
۴۲۴	۴- از بین بردن احساس مسئولیت
۴۲۴	۵- افزایش جرأت و قدرت مجرمین
۴۲۴	۶- کاهش سطح بهداشت و اخلاق
۴۲۵	۷- افزایش جرایم

۴۲۶	جهت چهارم: جایگاه زندان در میان مجازات‌های اسلامی
۴۲۶	جهت پنجم: جمع میان زندان و سایر مجازات‌های شرعی
۴۳۰	جهت ششم: اقسام زندان
۴۳۳	جهت هفتم: هزینه‌های زندان و زندانی
۴۳۴	۱- مقتضای اصل اولی
۴۳۴	۲- روایت‌هایی که در این باره وارد شده است
۴۳۵	۱- آری بعضی از فقیهان
۴۳۶	جهت هشتم: مسائل دیگری مربوط به حقوق زندانیان
۴۳۶	۱- توجه به وضع کنونی زندانی
۴۳۷	۲- توجه به تیربای زندانیان
۴۳۸	۳- ضامن بودن زندانیان در صورت کوتاهی در حق زندانی
۴۴۰	۴- لزوم رعایت شئونات مهم زندان
۴۴۲	فصل هشتم: جاسوسی و سازمان امنیت
۴۴۲	جهت اول: وجوب حفظ آبرو و اسرار مملکتان
۴۴۴	جهت دوم: لزوم سازمان امنیت عمومی و هدف آن
۴۴۶	جهت سوم: شاخه‌های دستگاه اطلاعات و امنیت و ادوات آن
۴۴۶	۱- مراقبت از مدیران و کارمندان دولت
۴۴۷	۲- مراقبت از تحرکات نظامی قدرت‌های بیگانه
۴۴۹	۳- زیرنظر داشتن مخالفان
۴۵۱	۴- زیرنظر داشتن مردم
۴۵۳	جهت چهارم: اموری دیگر مربوط به دستگاه اطلاعات و امنیت
۴۵۹	فصل نهم: ثبوت رؤیت هلال به حکم حاکم
۴۶۳	فروع مسأله رؤیت هلال
۴۶۵	فصل دهم: منع احتکار و حق قیمت‌گذاری
۴۶۵	جهت اول: احتکار و انحصار تجاری

۴۶۶	جهت دوم: مفهوم احتکار در لغت و کلمات فقها
۴۶۷	جهت سوم: حکم احتکار
۴۶۸	جهت چهارم: روایات مربوط به احتکار
۴۷۳	اقسام احتکار کالا
۴۷۵	جهت پنجم: مورد احتکار
۴۷۸	جهت ششم: وادار کردن محتکر بر فروش کالا
۴۷۹	جهت هفتم: قیمت گذاری از سوی حاکمیت
۴۷۹	نظارت فقیهان
۴۸۰	رویت های مربوط به موضوع
۴۸۴	فصل یازدهم: تألیف حکومت در برابر اموال مسلمانان
۴۹۰	فصل دوازدهم: وجوب رسیدگی به ضعیفان، بیوه زنان، یتیمان و بیچارگان
۴۹۲	فصل سیزدهم: اطاعت از رهبر
۴۹۲	پاره ای از آیات و روایات مربوط به موضوع
۴۹۶	امام نباید از مردم پوشیده باشد
۴۹۸	حقوق مخالفان
۵۰۱	فصل چهاردهم: اخلاق و رفتار حاکم اسلامی
۵۰۱	ویژگی اخلاقی رهبری جامعه
۵۰۵	رفتار رهبر با مردم
۵۰۷	رفتار رهبر با دشمنان
۵۰۹	رفتار رهبر در خوردن و پوشیدن و دوری از دنیا و مظاهر آن
۵۱۳	فصل پانزدهم: فراهم کردن قدرت نظامی
۵۱۷	فصل شانزدهم: سیاست خارجی
۵۱۷	جهت اول: اسلام همگان را به حق و عدالت فرا می خواند
۵۲۱	جهت دوم: مسلمانان همگان یک امتند
۵۲۳	جهت سوم: نهی از حاکمیت و همراهی گرفتن کفار

۵۲۵	جهت چهارم: مدارا با کافران و رعایت حقوق و حریم آنها
۵۲۷	جهت پنجم: امان و آتش بس
۵۲۹	جهت ششم: وجوب وفای به عهد و حرمت پیمان شکنی حتی با کفار
۵۳۱	جهت هفتم: مصونیت سیاسی سفرا
۵۳۲	حکم جاسوس دشمن

۵۳۵

بخش هفتم

بررسی منابع مالی دولت اسلامی

۵۳۷	فصل اول: زکات و صدقات
۵۳۷	جهت اول: مفهوم زکات صدقه
۵۳۹	جهت دوم: چیزهایی که مشمول زکاتند
۵۴۷	جهت سوم: زکات در احتیاج امام - حکم اسلامی - است
۵۴۹	جهت چهارم: صدقات مستحب و موقوفات عام
۵۵۱	فصل دوم: خمس
۵۵۱	جهت اول: مفهوم خمس و تشریع آن
۵۵۴	جهت دوم: چیزهایی که خمس در آنها واجب است
۵۵۴	اول: غنیمت جنگ
۵۵۶	دوم: معادن
۵۵۸	سوم: گنج
۵۵۹	چهارم: غواصی
۵۶۰	پنجم: مازاد خرجی سال
۵۶۸	ششم: زمینی که اهل ذمه از مسلمانان بخرد
۵۷۰	هفتم: مال حلال مخلوط به حرام
۵۷۲	جهت سوم: مصرف خمس
۵۷۵	خمس حق واحدی برای عنوان رهبری
۵۷۸	جهت چهارم: حکم خمس در زمان غیبت

۵۸۱	فصل سوّم: انفال.....
۵۸۱	اوّل: تفسیر آیه انفال و معنای آن در فقه شیعه و اهل سنت.....
۵۸۷	دوّم: منظور از تعلق انفال به خدا و پیامبر ﷺ و امام علیّ علیه السلام.....
۵۹۲	سوّم: تشریح انفال.....
۵۹۳	یک: زمین های موات و ویران.....
۵۹۶	دو: بلندی کوهها، عمق دره ها، بیشه زارها و جنگل ها.....
۵۹۸	سه: سواحل دریا.....
۵۹۸	چهار: زمین هایی که توسط مالک سه سال معطل مانده اند.....
۵۹۹	پنج: تمام کردن بنابر قول قوی.....
۶۰۴	شش: دریا، رودخانه ها و فضا.....
۶۰۵	هفت: میراث بی وارث.....
۶۱۰	هشت: زمین بی صاحب.....
۶۱۱	نه: زمین هایی که بدون جنگ و لشکرکشی تصرف شده است.....
۶۱۳	چهارم: تصرف در انفال به ویژه در غنیمت.....
۶۲۱	احیاء موات.....
۶۲۳	فصل چهارم: غنائم جنگ.....
۶۲۵	جهت اوّل: آنچه متعلق به امام است.....
۶۲۵	قسم اوّل: اشیاء نفیس و املاک اختصاصی.....
۶۲۶	قسم دوّم: غنائم برگزیده.....
۶۲۸	جهت دوّم: زمین هایی که با جنگ تصرف شده اند.....
۶۳۴	برخی از روایات و احکام مربوط به زمین های فتح شده.....
۶۳۹	مصرف خراج.....
۶۴۲	جهت سوّم: اسیران.....
۶۴۴	جهت چهارم: جزیه.....
۶۴۹	امر اوّل: کسانی که می توان از آنها جزیه گرفت.....

۶۶۱	 امر دوم: کسانی که جزیه از آنها ساقط می‌شود
۶۶۳	 الف: زنان و کودکان و ...
۶۶۵	 ب: سالخورده‌گان، زمین‌گیران و نایبانیان
۶۶۶	 ج: فقیران
۶۶۷	 د: راهبان و دیر نشینان
۶۶۸	 امر سوم: مقدار جزیه
۶۷۰	 امر چهارم: گرفتن جزیه از مال حرام
۶۷۱	 امر پنجم: اختیار امام در قرار دادن جزیه
۶۷۳	 امر ششم: گرفتن مالی غیر از جزیه و آنچه در ضمن عقد ذمه شرط شده
۶۷۵	 امر هفتم: جزیه در بزرگ، یا مسلمان شدن ذمی
۶۷۷	 امر هشتم: مصرف
۶۸۰	 تکمله
۶۸۲	 جهت پنجم: غنیمت جنگ بدون اجازه امام
۶۸۴	 جهت ششم: غنایم و اسیران اهل بغی (شوشیان)
۶۹۴	 فصل پنجم: مالیات‌های افزون بر زکات، خمس، عیار و جزیه
۶۹۵	 جهت اول: نظر برخی از بزرگان درباره دریافت ده
۶۹۷	 جهت دوم: برخی از روایات وارده درباره ده یک
۶۹۷	 اول: روایاتی که ده یک بگیران را مذمت می‌کنند
۷۰۰	 دوم: روایاتی که ده یک را به یهود و نصارا اختصاص می‌دهد
۷۰۵	 جهت سوم: بررسی مالیات‌های دیگر غیر از مالیات‌های معروف
۷۰۹	 نکاتی که شایسته است به آنها اشاره شود

فهرست نمایه‌ها

۷۱۳	 واژگان
۷۵۹	 اعلام
۷۶۷	 کتابنامه

مقدمه مترجم:

پس از انتشار متن تلخیص شده کتاب ارزشمند «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة» تحت عنوان «نظام الحکم فی الاسلام»، با تقاضای ترجمه آن از سوی علاقه‌مندان به فقه سیاسی از دیدگاه شیعه مواجه شدیم. از این رو پس از کسب اجازه از محضر رئیسندرجمند و استاد گرامی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری اقدام به ترجمه آن کردیم. هم‌اینک پیش روی شماست.

کتاب «نظام الحکم فی الاسلام» در نوع خود، در عالم تشیع، منحصر به فرد است؛ زیرا اگر چه بعد از پیدایش تفکر اُسید حکومت در جامعه شیعی ایران آثار متعددی در این باب به رشته نگارش در آمده که در حدّ خود قابل توجه و تقدیر است، لکن این کتاب تنها متن نسبتاً جامعی است که توسط یکی از بزرگان فقه شیعه به نگارش در آمده است. آیت‌الله منتظری پیش از انقلاب اسلامی سال‌های زیادی از عمر خویش را به دلیل فعالیت سیاسی با هدف برقراری حکومت اسلامی در تبعید و زندان گذرانده و در عمل با حقوق و اخلاق و کنش سیاسی از نزدیک آشنا گردیده است و گرایش‌های مستبدانه (انحصار گرایانه، خود خواهانه و مایل به حقوق دیگران) و مردم سالارانه (عدالت خواه مبتنی بر احترام به حق دیگران) با رنگ و بوی دینی و غیر دینی را با گوشت و پوست خود لمس کرده است و سرانجام در کنار مرحوم امام خمینی و دیگر روحانیان و روشنفکران و ظلم ستیزان مسلمان و غیر مسلمان و با حمایت اکثریت مردم ایران موفق به انقلاب و تغییر رژیم شاهنشاهی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران شدند.

حضرت استاد بر خلاف برخی از فقیهان شیعه که قائل به تشکیل حکومت در

عصر غیبت نبوده‌اند و برخی دیگر که قائل به نصب فقیه به ولایت تنها بر صغیران و محجوران و غایبان در حاشیه حکومت‌های جور هستند، قائل به تأسیس حکومت در زمان غیبت معصوم علیه السلام بر مبنای انتخاب می‌باشند. از این رو نظریه ایشان در مقابل نظریه برخی دیگر از فقیهان قرار می‌گیرد که معتقدند فقیه جامع الشرایط در زمان غیبت از طرف ائمه اطهار علیهم السلام به ولایت بر مردم منصوب شده و دارای قدرت و اختیارات مطلق است.

استاد عالیقدر، پس از ایراد اشکالات جدی بر نظریه نصب، قائل به صلاحیت فقیه واجد شرایط برای انتخاب از سوی مردم می‌باشد و بر نظریه خود با استفاده از آیات و روایات و عقول استدلال نموده و نشان داده‌اند که قدرت و مشروعیت ولایی فقیه در عصر غیبت ناشی از انتخاب نیست. بیعت مردم با اوست که می‌تواند به طور مطلق یا مقید حاصل شود. در متن کتاب حضور آن را به نحو مطلق و متمرکز فرض گرفته و فقیه را محور و اصل حکومت و دیگر قری حکومتی را فروع و اعوان و انصار او دانسته‌اند، لکن با گذر زمان و با توجه به تجارب بعد از انقلاب و ویژگی‌های جامعه ایران به این نتیجه رسیدند که ولایت فقیه باید به طور محدود، مقید محقق شود. از این رو نظریه ابتدایی خود را اصلاح کرده و قائل به تحدید قدرت از حیث مورد و مدت و به تبع آن تفکیک قوا شدند.

استاد همچنین در متن کتاب نشان داده‌اند که امر حکومت را به ره جامعه امری متغیر است که به اقتضای نیازها و ساختار و سطح فکری و فرهنگی مردم در هر کشوری می‌تواند اشکال مختلف بپذیرد و البته در هر شکل نباید از چارچوب قواعد کلی و ضروری مستفاد از عقل و نقل مانند عدالت و انسانیت خارج شود، بنابراین باید پاره‌ای از نصوص وارد شده در این زمینه را که به تناسب زمان و مکان، صدور یافته‌اند با تنقیح مناط و ملاحظه قواعد کلی در این زمان مورد استفاده قرار داد؛ چراکه غفلت از تغییر اوضاع و احوال و پیدایش تقاضاها و شیوه‌های جدید و عدم

بهره‌گیری از رهنمودهای عقل و علم و تجربه حکومت را در حل مشکلات و معضلات ناکارآمد ساخته و به آنجا می‌کشاند که همان مردمی که یک روز با بیعت و رأی خود فقیه را به حاکمیت رسانیده و حکومتی را تأسیس کرده‌اند، با مخالفت و اعتراضات خود آن را درهم فرو خواهند شکست.

به هر حال حضرت استاد در این کتاب مهمترین مسأله در فقه سیاسی یعنی مسأله شکل‌گیری قدرت و تداول و گردش آن را به طور مستدل و مبسوط مورد بحث قرار داده و در صفحات متعددی از کتاب به این اصل تصریح کرده‌اند که انسان فارغ از هر عقیده‌ای مسلط بر خویش است و هیچ کس بر دیگری سلطه ندارد. بنابراین انسان مقهور اراده دیگری نیست. هر اراده می‌تواند و آزاد است حزب تشکیل دهد و در فرآیند کسب قدرت با دیگران مشارکت نماید و با رأی و بیعت، قدرتش را در اختیار دیگری قرار دهد و در صورتی که مورد قبول اکثریت قرار گرفت و با او بیعت کردند به عنوان یک صاحب قدرت در حوزه سیاست عمومی اعمال نظر و اراده کند. همچنین در این مسیر می‌تواند و حق دارد نفوذات خود را آزادانه بیان کند و سیاست‌های جاری را نقد نماید و از ابزارهای موجود مطالباتی، صوتی و تصویری و غیر این‌ها بهره‌گیری نماید.

اما مسأله مهم ناظر بر اصل سلطه انسان و آزادی اراده او در عرصه سیاسی، اصل حق محوری و عدالت خواهی است که رعایت آن، رفتار سیاسی را از (عادلانه و انسانی) کرده و آن را از رفتار طاغوتی (ظالمانه و غیر انسانی) در مسیر دستیابی به قدرت و اعمال آن متمایز می‌سازد. التزام به این اصل در گرو پیروی از اصول و رهنمودهای عقلی و نقلی است، لکن مشکل اساسی در اینجا، تشخیص اصول و رهنمودهای نقلی است که به دلیل اختلاف برداشت از گزاره‌های نقلی موجب تفسیرها و ارائه نظریه‌های متضاد به نام دین می‌شود. استاد برای حل این مشکل به سیره سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام تکیه می‌کنند، چرا که سیره عملی

کمتر قابل تفسیر و تأویل‌های مختلف است؛ اما حتی با این رویکرد نیز معضل همچنان باقی است ﴿وَكُلَّ يَوْمٍ يَأْتِيهِمْ فِئَةٌ مِنْهُمْ فَذُكِّرُوا﴾^(۱) چرا که نقل سیره نیز مختلف است. به علاوه این‌که گاه سیره مقید به زمان و مکان خویش است و نمی‌توان از آن به نحو مطلق بهره گرفت.

حضرت استاد در نهایت با طرح اصول عقلی و نقلی، شایسته سالاری، عدالت خواهی، حق طلبی، حاکمیت قانون، کرامت انسان، شورا و مشورت، همیاری و مشارکت، عزت‌مندی، امنیت فراگیر، پرهیز از اسراف و تبذیر، استقلال، وفای به عهد، مسالمت‌جویی، اشتراک در انسانیت و ثبات بر این اصول، چارچوب کنش سیاسی را مشخص کرده اعلام نمودند سیاستمدار دینی حق ندارد در مسیر دست‌یابی به قدرت یا به منظور حفظ قدرت و موقعیت سیاسی خویش از دایره این اصول خارج شده و از شیوه‌های طائوتی و شیطنانی بهره‌گیرد و حقوق دیگران را پایمال سازد که در این صورت بدون هیچ شک و شبهه‌ای در دایره سیاست طاغوتی قرار گرفته و معزول است،^(۲) گرچه به ظاهر بر سند قدرت قرار داشته باشد و قهراً باید خودش را آماده انتقادهای مخالفان نماید. حال آن‌که رعایت این اصول می‌تواند روابط سیاسی را در فضای داخلی و فضای بین‌المللی سالم ساخته و از در افتادن طرفین به ورطه‌ای که ممکن است هر دو طرف را به نابودی کشاند، مصون دارد و بقای دولت حق را تضمین نماید.

در آخر اشاره به چند نکته را لازم می‌دانیم:

۱- اگر در برخی موارد نسبت به مطلب مندرج در متن توضیح، تکمیل یا نقدی به نظر رسیده در حاشیه ذکر شده است. البته پاورقی‌های دیگر کتاب هم مربوط به

۱- هرکس برحسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸۴.

۲- در واقع و نفس الامر معزول است، اما لازم است راهکارهای قانونی و ساز و کارهای عملی رسیدگی به تخلفات متصدی امر و برکنار ساختن وی مشخص شود.

مترجم است، مگر آنچه از نوشته‌های دیگر فقیه عالیقدر گرفته شده و در بحث مربوطه آورده شده است.

۲- در زمان ترجمه، که دوازده سال با زمان نگارش حاشیه‌ها فاصله پیدا کرده، در مواردی به نظر رسید در حاشیه‌ها نیز تغییراتی داده شود.

۳- تلاش کردیم، نظریات جدید استاد را در رابطه با مباحث کتاب، که در نوشته‌های ایشان، بعد از چاپ «نظام الحکم» منتشر شده، در حاشیه اضافه کنیم یا به آنها ارجاع دهیم.

۴- در خلال مباحث کتاب موضوعاتی مانند شورا، بیعت و انتخابات، رأی اکثریت، تحزب، قانونگذاری، حقوق مخالفان اعم از اقلیت‌های فکری و اعتقادی و قومی، روابط خارجی، توسعه قدرت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی به تناسب مجال و فضای کلی کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند، لکن جا دارد هر یک به طور مستقل موضوع پژوهش قرار گرفته و مروجت هر کدام با دید فقهی و حقوقی عمیق استنباط شوند.

در اینجا لازم است از زحمات همه کسانی که در زمان فتن این کار مریاری کردند به ویژه حجج اسلام آقایان سید رضا حسینی امین، محمد حسن موحدی ساوجی و رضا ضیائی (ره)^(۱) صمیمانه تشکر نمایم و پیشاپیش از خوانندگان محترم نسبت به کاستی‌ها و نارسایی‌هایی که قطعاً در حواشی و کار ترجمه وجود دارد پوزش خواسته و خواهش کنم مرا از نظرات اصلاحی و تکمیلی خود محروم نفرمایند.

جمادی‌الاولی ۱۴۳۸ - بهمن ۱۳۹۵

بهرام شجاعی